



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

MEE
MIDDLE EAST EYE

استفاده ترکیه از فرصت تنش ایران و اسرائیل

طی یک ماه گذشته، مقامات ترکیه در آنکارا به شدت نگران تنش‌های منطقه‌ای بین اسرائیل و ایران بوده‌اند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در چندین سخنرانی، اسرائیل را به تلاش برای گسترش جنگ خود در غزه به مرزهای ترکیه متهم کرد و گفت که منطقه در حال غرق شدن در «حلقه‌ای از آتش» است که می‌تواند تمامیت ارضی ترکیه را تهدید کند. بسیاری در ترکیه اظهارات اردوغان در مورد گسترش ارضی اسرائیل را جدی نگرفته‌اند. به نظر می‌رسد تمرکز اسرائیل بر ایران و متحدانش، معطوف است و سپس چیزی فراتر از تکان دهنده اتفاق افتاد: دولت باجلی، متحد ملی‌گرای اردوغان، یکی از اعضای کلیدی ائتلاف حاکم و رئیس حزب جنبش ملی، علناً از دشمن خود خواست تا در پارلمان سخنرانی کند. گفت که عبدالله اوچالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) باید اجازه داشته باشد که در این مراسم سخنرانی کند و از این گروه مسلح بخواهد که خلع سلاح را ببیند. باجلی همچنین افزود که با انجام این کار، ممکن است به اوچالان اجازه داده شود که از استثنائات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای آزادی زودهنگام از زندان استفاده کند. باجلی همچنین گفت که می‌تواند از موج جدیدی از اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی برای جلب رضایت رای دهندگان استفاده کرد و پایان درگیری با پ.ک.ک. را رقم زد. وقتی باجلی این اقدام را توجیهی خواند که ممکن است مسیر تاریخ ترکیه را تغییر دهد، همه در آنکارا از خود پرسیدند: چرا حالا همه کارشناسانی که با میدیل ایست‌ای مصاحبه کرده‌اند، گفتند که فکر نمی‌کنند آنکارا برای منافع سیاسی فوری، مانند قانون اساسی جدید که به اردوغان اجازه می‌دهد یک دوره دیگر در سال ۲۰۲۸ خدمت کند، این گام را برداشته است. اسلی آیدین تاسباس، کارشناس ارشد اندیشکده موسسه بروکینگز مستقر در واشنگتن، می‌گوید: «نخبگان حاکم آنکارا اسرائیل را به عنوان یک نیروی بی‌ثبات‌کننده در منطقه می‌بینند و یک درگیری احتمالی ایران و اسرائیل را پیش‌بینی می‌کنند. برای تقویت جبهه داخلی، آنها با درک اهمیت ثبات در داخل مرزهای خود، به فکر پرداختن به مسئله کردها از طریق معامله با اوچالان و در نهایت پ.ک.ک. هستند.» آیدین تاسباس افزود که پرداختن به مسئله دیرینه کردها از آسیب‌پذیری اولیه ترکیه را در منطقه کاهش می‌دهد. او گفت: «ترکیه نیروهای کرد وابسته به پ.ک.ک. در سوریه و عراق را ابزاری بالقوه برای رقبای خود، به‌ویژه اسرائیل و ایران می‌داند و می‌خواهد این تهدید را خنثی کند.» از سال ۲۰۱۶، ترکیه مجموعه‌ای از حملات را در شمال سوریه انجام داده است. نیروهای مسلح ترکیه جرابلس، عفرین، الباب و دیگر شهرهای مرزی استراتژیک را تصرف کرده و از آن زمان با کمک شورشیان سوری هم‌پیمان آنها را اشغال کرده‌اند. در همین حال، کمپین‌های زمینی و هوایی فشرده، پ.ک.ک. را از مرزهای شمالی عراق با ترکیه بیرون رانده است و به آنکارا اجازه می‌دهد چندین پایگاه نظامی در کردستان عراق برای جلوگیری از نفوذ ایجاد کند. مسعود یگن، استادی که در فرهنگ کردی متخصص است، می‌گوید که دولت ترکیه بر این باور است که در «موقعیت قدرت» قرار دارد. انتخابات ۲۰۲۳ نشان داد که رای دهندگان کرد دیگر آن قدرتی را که قبلاً در سیاست داخلی داشتند، اختیار ندارند. با این حال یگن می‌گوید که دولت هنوز به دلیل اختلافات سیاسی با بغداد، توانسته است تمام اهداف خود را در شمال عراق محقق کند. در همین حال، وابستگی پ.ک.ک. که همچنان در شمال شرق سوریه از حمایت آمریکا برخوردار بوده‌اند، او خاطر نشان کرد که نمایندگی داخلی کردها در ترکیه قوی است و حزب دموکرات سوسیال حزب بزرگ در پارلمان است. آیدین تاسباس افزود که نخبگان سیاسی ترکیه به طور فزاینده‌ای شورش کردها را یک درگیری بی‌پایان می‌دانند. پلیدی روزنامه‌نگار ترکیه‌ای که تحولات کردها را از نزدیک دنبال می‌کند، گفت که روند صلح سال ۲۰۱۵ با پ.ک.ک. شکست خورد زیرا یگان‌های مدافع خلق (YPG)، به عنوان یک نیروی سوری که ترکیه آن را هم‌پیمان پ.ک.ک. می‌دانست، توانست بخش‌های زیادی از سرزمین‌های تحت کنترل در شمال سوریه را با کمک ایران و یشار اسد تصرف کند. بسیاری در آنکارا هنوز ایران را متهم می‌کنند که با تشویق به رشد YPG، مذاکرات صلح را زیر پا گذاشته است.

تکمیل: موسسه مطالعات تاریخ، معاصر ایران



سازمان پیمان مرکزی سنتو از تشکیل و عضویت ایران تا انحلال

پیمان سمست



داود دشتبانی

خبیرنگار گروه دیپلماسی

پیمان سنتو یا سازمان پیمان مرکزی مهمترین اتحاد نظامی بوده که ایران طی دوران محاصر در آن عضو شده است و البته عمر چندانی نیز نداشته و با وقوع انقلاب اسلامی به پایان رسیده است. پیمان سنتو که با پیمان بغداد میان ترکیه و عراق در سال ۱۳۳۳ آغاز شد، در ادامه با پیوستن ایران و پاکستان و انگلستان تکمیل شد و ایالات متحده آمریکا نیز به عنوان عضو ناظر در آن حضور پیدا کرد. این پیمان نظامی با هدف مقابله احتمالی در صورت تجاوز اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده بود و ادامه پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو تلقی می‌شد. با خروج عراق در سال ۱۳۳۷ این پیمان ضربه بزرگی خورد و در نهایت نیز با خروج ایران در ۲۰ اسفند سال ۱۳۵۷ به کلی بلاموضوع شده و از بین رفت تا تنها اتحاد نظامی ایران در دوران معاصر به پایان خود برسد. در واقع پیمان برای بانی آن عراق خوش‌یمن نبود و رژیم سلطنتی به خونین‌ترین شکل سرنگون و نابود شد و دو کشور عضو یعنی ایران و عراق نیز چندی پس از انحلال پیمان وارد طوفانی ترین جنگ دوران معاصر جهان شدند. عراق به عنوان بانی سازمان سنتو بلافاصله پس از خروج از این پیمان در سال ۱۳۳۸ مناقشه نظامی با ایران را آغاز کرد.

ایران طی قرون متمادی کشوری بوده که مورد تجاوز نظامی قرار گرفته و همواره نقش مدافع داشته است. نوع قرارگیری ایران در میانه منطقه غرب آسیا موجب شده تا از شرق و غرب و در قرون جدید از شمال و جنوب مورد حمله قرار گیرد و این حملات علاوه بر تمامیت ارضی گاهی استقلال و حاکمیت ایران را نیز مورد تهدید قرار داده است. به همین دلیل در برخی دوره‌ها ایران عموماً تلاش کرده با اتحاد و پیمان‌های دوستی به این ناامنی پاسخ دهد. تلاش برای اتحاد و دوستی با کشورهای اروپایی و

گورکانیان هند در دوره صفوی با هدف مقابله با امپراطوری عثمانی صورت گرفت و در دوره قاجار نیز همین تلاش برای مقابله با روسیه تزاری متجاوز صورت گرفت اما ثمره چندانی برای ایران نداشت. با روی کار آمدن رضاشاه و در سایه نظام بین‌المللی مبتنی بر دولت-ملت پس از جنگ جهانی اول بود که ایران نیز تلاش کرد روابط متوازن‌تری را با همسایگان خود برقرار کند. در نخستین این نوع قراردادها که پیش از روی کار آمدن رضاشاه مذاکرات آن صورت گرفته بود، ایران و شوروی در قرارداد ۱۹۲۱ حدود مرزی یکدیگر را به رسمیت شناخته و پیمان عدم تعرض و دخالت در امور داخلی بستند؛ هر چند شوروی در ماده پنج و شش این معاهده حق دخالت نظامی در ایران در صورت استفاده از خاک ایران علیه شوروی محفوظ نگه داشته بود که در جریان جنگ جهانی دوم نیز به آن استناد کرد. با این حال تثبیت مرزها دستاورد مناسبی در مقابل روسیه متجاوز بود. رضاشاه در ادامه برقراری نظم داخلی و سرکوب شورش‌های محلی به منظور تثبیت حدود مرزی با ترکیه و افغانستان و عراق اقداماتی را انجام داد که هر چند به نحوه برخی از این تعیین حدود به‌ویژه ترسیم مرز ایران و ترکیه انتقاداتی وارد است اما در هر حال از جهت رفع اختلافات میان همسایگان ارزشمند بود. در پی این اقدامات بود که زمینه‌های انعقاد پیمان سعدآباد فراهم شد.

در پیمان سعدآباد با عهدنامه عدم تعرض، که در تاریخ ۱۷ تیرماه سال ۱۳۱۶ در کاخ سعدآباد تهران، میان ایران، عراق، افغانستان و ترکیه به امضا رسید دولت‌های امضاکننده، متعهد شدند که از مداخله در امور داخلی یکدیگر، خودداری نموده و مرزهای مشترک را محترم بشمارند. همچنین از هرگونه تجاوز نسبت به خطوط مرزی یکدیگر خودداری کرده و از تشکیل جمعیت‌ها و دسته‌بندی‌هایی که هدف آن‌ها اختلال در صلح میان کشورهای هم‌جوار و هم‌پیمان است، جلوگیری کنند. با وجود اینکه این پیمان‌ها اصل عدم تعرض را به رسمیت شناخته بودند اما همچنان با اتحاد و پیمان نظامی فاصله داشتند.

تکمیل پیمان بغداد

نخستین بار نوری سعید نخست‌وزیر عراق در بهمن

۱۳۳۳ از تشکیل اتحادیه‌ای نظامی مرکب از آمریکا، انگلستان، ترکیه، پاکستان، ایران و عراق خبر داد که دولت ایران در تأیید یا تکذیب آن موضعی نگرفت. در پی اعلام نوری سعید عراق و ترکیه پیمان بغداد را بستند و اعلام کردند که کشورهای عضو اتحادیه عرب و «دیگر کشورهای علاقه‌مند به صلح و امنیت خاورمیانه» که عراق و ترکیه آن‌ها را به رسمیت شناخته باشند، می‌توانند به این پیمان بپیوندند. ۴۰ روز بعد هم انگلستان به این پیمان پیوست. پاکستان نیز که خواستار کمک‌های فنی انگلیس برای ساخت راکتور اتمی برای ایجاد توازن با هند از یک سو و گرفتن کمک‌های نظامی از آمریکا برای مهار چالش‌هایش با پشتون‌های افغانستان بود، در ۳۰ شهریور ۱۳۳۴ به این پیمان پیوست. پیمان بغداد مشتمل بر یک مقدمه، دو نامه تفسیری و ۸ ماده بود و به ۳ زبان عربی، ترکی استانبولی و انگلیسی نوشته شد. این پیمان مواردی شامل همکاری کشورهای عضو در امور دفاعی و امنیتی، پیش‌بینی تشکیل هیئت‌های اجرایی مفاد پیمان، تعهد در عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، تعهد در خصوص سازگاری مواد پیمان با میثاق‌ها و قراردادهای بین‌المللی، اجازه امکان پیوستن کشورهای دیگر به پیمان، پیش‌بینی تشکیل شورای دائمی پیمان با حضور وزرای کشورهای عضو، پیش‌بینی مدت ۵ سال برای پیمان با امکان تمدید آن و نحوه امضای پیمان بود. در مقدمه پیمان بغداد آمده بود: «با توجه به اینکه روابط دوستانه و برادرانه موجود بین عراق و ترکیه همواره در حال پیشرفت است و به منظور تکمیل مفاد معاهده دوستی و همسایگی حسنه منعقد بین عالیحضرت پادشاه عراق و جناب عالی رئیس‌جمهور ترکیه در آنکارا در ۲۹ مارس ۱۹۴۶ به این واقعیت اذعان داشت که صلح و امنیت بین دو کشور جزء لاینفک صلح و امنیت همه ملت‌های جهان و به‌ویژه ملت‌های خاورمیانه است و مبنای سیاست خارجی آنها؛ با توجه به اینکه ماده ۱۱ معاهده دفاع مشترک و همکاری اقتصادی بین کشورهای اتحادیه عرب مقرر می‌دارد که هیچ‌یک از مفاد آن معاهده به‌هیچ‌وجه به هیچ‌یک از حقوق و تعهداتی که برای طرف‌های متعهد تعلق می‌گیرد تأثیر نمی‌گذارد یا برای تأثیرگذاری آن طراحی شده است و با درک مسئولیت‌های بزرگی که به عنوان اعضای